

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما  
Tel: 0046720077654

# ایسکرا ۶۶۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۴ فروردین ۱۳۹۲، ۳ آوریل ۲۰۱۳

سرمدی عبدال گلپریان

## قلب مهربان عطا محمد نژاد (عطا دیواندره) از حرکت ایستاد!



عطا فعال سرشناس و کمونیست محبوب مردم دیواندره و کردستان، درگذشت! با نهایت تأثر و تأسف روز یکشنبه ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۳ عطا محمدنژاد معروف به عطا دیواندره عضو حزب کمونیست کارگری ایران، فعال سیاسی قدیمی و از مخالفین سرسخت حکومت اسلامی ایران در بیمارستانی در شهر کیل - آلمان دیده از جهان فرو بست و برای همیشه از میان ما رفت. عطا متولد سال ۱۹۶۶ بود.

عطا اوایل ماه مارس در حالیکه در یک مرکز ورزشی در شهر کیل آلمان در حال ورزش بود، بر اثر حمله قلبی از هوش رفته و سپس به بیمارستان منتقل شد. تحت عمل جراحی قلب قرار گرفت و

صفحه ۳

## در تدارک اول ماه مه گام اول، تلاش برای همه گیر کردن خواست اصلی طبقه کارگر

یابد. افزایش دستمزدها تا سطح کمتر از نیم میلیون تومان از طرف کارگران قابل قبول نیست. دستمزدها باید بیش از یک و نیم میلیون باشد. این خواست همه کارگران است. در یکسال گذشته قیمت ها روز بروز افزایش پیدا کرده اند. همه چیز گرانتتر و گرانتتر شده است. اما دستمزدها بهمان میزان و امسال با



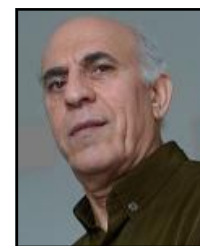
نسان نودینیان

دستمزدها فوراً باید افزایش

صفحه ۲

## دست مذهب و قوانین اسلامی از سر زنان کوتاه

مسئله زن و آزادی زنان در جامعه، تاریخ پر تلاطم و خونباری به قدمت تاریخ خود انسان دارد. تاریخی که مداوماً انسانها را در دو جبهه (مدافعان آزادی و مخالفان آزادی) در مقابل هم قرار داده است. تاریخ کشتارها، زندانی کردنها، مبارزه ای که از دیرباز با جسارت و



محمدامین کمانگر

صفحه ۲

## در گرامی داشت یاد رفیق عطا محمد نژاد



رحیم یزدانیپرست

کردستان و همه کسانی که رفیق عطا را میشناختند تسلیت میگویم. یاد و خاطره رفیق عطا برای همیشه زنده است. رفیق عطا در سال ۱۳۴۵ در روستای ماهیدر از توابع شهرستان سقز در خانواده ای زحمتکش چشم به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان

صفحه ۳

متأسفانه قلب انسانی کمونیست و انقلابی در شب ۳۱ مارس ۲۰۱۳ در بیمارستانی در شهر کیل آلمان از حرکت باز ایستاد. قبل از هرچیز جان باختن رفیق کمونیست و انسان دوست مان عطا محمدنژاد (مشهور به عطا ماهیدر) را به خانواده اش، به خواهران و برادرانش، به مردم

حضور ده ها گردشگر نوروزی همراه خانواده هایشان دید و بازدید و امکان شرکت در کنسرت و برنامه های زنده موزیک و رقص و پایکوبی بر جذابیت مراسمهای نوروزی در کردستان عراق افزوده است. حق شادی و استفاده از مراسمهای مدرن و بدور از دخالت مذهب و نیروهای مترجع اسلامی در روزهایی که مردم در ایام تعطیلات نوروزی هستند در

صفحه ۴

### نگاه هفته

مجموعه ای از  
رویدادهای هفته  
در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

سلیمانیه: گردشگران نوروزی امسال نسبت به سالهای قبل بیشتر به کردستان عراق روی آورده اند.

اگر چه هنوز مرگت را باور نکرده ایم! / اطلاعیه مراسم خاکسپاری عطا محمد نژاد صفحه ۳

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدال گلپریان / بخش سوم صفحه ۷

شریف ساعد پناه با وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد صفحه ۸

در محکومیت بازداشت فعالین کارگری / جمعی از کارگران خازنهای شهر سنندج و حومه صفحه ۸

تجمع مجدد در مقابل دادگاه انقلاب سنندج در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ در تدارک اول ماه ...

## از صفحه ۱ دست مذهب و قوانین اسلامی ...



جامعه و جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد دارد از خودش از انسانیتهش، از موجودیتش، از آزادی، از حرمتش در مقابل ظلم و زور و بی حرمتی در مقابل قهر و وحشیگری ای که در حقش روا میدارند دفاع می کند. این حرکت پیا خوسته است چون تاریخا به بردگی کشیده شده است، چون گوش و بینی اش را بریده اند، حلق آویزش کرده اند، سنگسارش کرده اند، بروی چهره اش اسید پاشیده اند. این حرکت با تکنولوژی و میدیای جهانی آمده است تا قوانین پوسیده و زنگ زده ارتجاع اسلامی را در سوراخ کند. بعضی ها فقط تن عریان این انسانهای جسور و شریف را می بینند متلکی نثار می کنند، فحشی میدهند و نکته هایی هم در مخالفت بیان می کنند. اینها سوپاپ اطمینان های ارتجاع مذهبی هستند که از سر تعصبات و اخلاقیات ملی و مذهبی خود مستقیما عصای دست فتوا دهندگان می شوند. اما فتوا دهنده در هراس افتاده است و میدانند که این حرکت موجب برداشتن و کوتاه کردن دست قوانین و سنتهایی ارتجاعی در جامعه خواهد شد.

زنده باد انسانیت

یکشنبه ۳۱ مارس ۲۰۱۳

مدتهاست شروع شده و تا تعیین تکلیف نهایی با خدایان روی زمین ادامه خواهد داشت. این امری است مربوط به همه انسانهای شریف و برابری طلب در چهار گوشه جهان. نفس این حرکت معنا دارد. این حرکت در ماهیت خود از انسانیت دفاع می کند. بر بستر چنین تحرکی باید ماهیت مغرب و ضد انسانی اسلام را بیش از پیش برملا کرد که چقدر با انسان و انسانیت در تضاد است، وحشی گری جریانات ارتجاعی و ضد زن را باید افسار زد. باید پرده از بسیاری مسائل برداشت که تا کنون در جامعه تابو بوده است. این حرکت فراخوانی است علیه تمام قوانین ضد زن و ضد انسانی که توسط اسلام و سنتهای ضد انسانی اش در جامعه بر زنان تحمیل شده است. حرکت امینا و امیناها تحت عنوان "تن من ناموس هیچکس نیست"، آمپر مفتخوران اسلامی را بالا برد و خون در رگهایشان به جوش می آید و علنا و علما فتوا صادر کردند که باید او را کشت. اگر جامعه بشری در حالت نرمال سوخت و ساز داشت می بایست فوراً فتوا دهندگان را بعنوان مجرم و قاتل دستگیر و روانه زندان می کردند بخاطر اینکه حکم مرگ و حکم قتل را صادر کرده اند. چون علنا کشتار و خون ریزی را ترویج کرده اند!

برهنه شدن چرا چنین؟

عکس های زنانی را می بینید با سینه های برهنه از کشورهای مختلف که در دفاع از امینا و در دفاع از حق بی چون و چرای نبی از بشریت در شبکه های اجتماعی می چرخند. هدف اعلام شده این زنان فقط حمایت از امینا نیست، این بیداری نبی از جامعه است.

شهامت در دفاع از انسانیت و دفاع از حقوق برابر کوتاه نیامده است. مبارزه ای که بگویند مردم من انسانم، من بشرم، چرا من حتی صاحب تن خود نیستم، کفر است اگر چنین واژه گانی بر زبان آورم؟ تن من مال من است.

در طول تاریخ زنان برای رهایی و خلاصی از این وضع اسارت بار مداوما در مقابل هیولای ادیان، بخصوص دین اسلام مبارزه کرده اند. شمشیر تعصبات فرهنگی و مردسالاری به عنوانین مختلف نبی از بشریت "زنان" را کشتار کرده و مداوما کشتار میکند. جبهه زن ستیزان، برای اسیر نگه داشتن و به بردگی کشیدن زنان در طول این دورانها همه امکانات جامعه را در اختیار داشته و مضاف بر این، خدا، پیغمبران، امامان، و پادشاهان، برای تداوم بردگی زنان و به سکوت کشاندن نبی از جامعه بشری، آیه ها، احادیث و کلی چرنیاد و اراجیف ضد انسانی را رواج داده اند و قوانین و سنتهای ضد زن و بردگی او را جار زده اند. به همین خاطر است که آیت الله ها، ملاها و دیگر مفتخورهای اسلامی قرنهای است عریه می کشند و علیه زنان جسور و انقلابی که دیگر حاضر نبوده و نیستند بردگی و بندگی را بپذیرند از خدا و رسول خدا برای به انقیاد کشاندن زنان همچنان زوزه می کشند و احکام ضد انسانی را علیه آنها صادر می کنند.

حرکت و نام امینا تو دهنی محکمی به اراجیف اسلامی! امروز حرکت جسورانه امینا دفاع از حق و حقوق انسانی و زدن میخی بر تابوت جانوران فتوا دهنده اسلامی است. این حرکت

بصورت مطالبه ای مختص بخود بلکه بصورت مطالبه ای برای ارتقا سطح زندگی همه مزدبگیران مطرح سازد، بطور قطع از همان آغاز پشتیبانی قلبی و در ادامه مبارزه اش، پشتیبانی عملی وسیعترین بخشهای طبقه کارگر را کسب خواهد کرد. کارمزدی و مزدبگیر بودن خاصیت مشترک کارگران است. امروز هیچ خواست دیگری نمیتواند تا این حد با موقعیت عینی کارگران و نیازهای عاجل همگی آنها انطباق داشته باشد. هیچ خواست دیگری برای افزایش دستمزدها و دریافتی کارگران نمیتواند تا این حد فراگیر و متحد کننده باشد. اینها تنها خواص این خواست برحق نیستند. خواست افزایش دستمزدها امروز آن شعار طبقاتی است که همراه خود مرز منافع مستقل طبقه کارگر را با اقشار و طبقات ممتاز جامعه ترسیم میکند. هر نیرویی که برای این خواست گرد آید نیروی مستقل طبقه کارگر است. از این گذشته جنبشی که امروز خواستار ارتقا فوری سطح زندگی طبقه کارگر باشد و بتواند توده های کارگر را در میان خود جای بدهد جنبشی است که همراه با نضج گیری خود میدان عمل سیاسی و ابراز وجود اجتماعی طبقه کارگر را بعنوان صاحب جامعه هموار کرده است. با این پیش زمینه ها و قدرت اعتراضی و قدرتی کلامی و معنوی و اعتراضی که بخشهایی از رهبران کارگری که از یکسال گذشته مبارزه برای افزایش دستمزدها شروع شده است، اول ماه میتواند روز تعیین کننده ای برای طبقه کارگر باشد. دستمزدها فوراً باید افزایش یابد، اولین گام اساسی در جهت اتحاد طبقاتی کارگران در ایران است. این خواست و جمع کردن کارگران در مراکز مختلف تولیدی، کارخانه ها میتواند محمل اصلی اتحاد طبقاتی کارگران به منظور برپایی تجمعات وسیع برپایی مراسمهای قدرتمند کارگران و مزدبگیران جامعه باشد. صف بندی قدرتمند کارگران و ابراز وجود قدرتمند آنها در این شرایط از هر دوره ای ضروری تر شده است.

۱ آپریل ۲۰۱۳

بیست در صد حقوق پایه افزایش پیدا کرده است. تورم بالاتر از ۴۰ تا ۴۵ و مواردی ۶۰ درصد و دستمزدهای پایین تر از نیم میلیون نتیجه ای جز اینکه مزدبگیران و خانواده هایشان همگی بشکلی بی سابقه به فقر و گرسنگی مزممن محکوم شده اند، نداشته. کارگران ناچار شده اند برای کاهش فشار، به اضافه کاری به کار دوم (اگر وجود داشته باشد) و در یک کلام به تباه کردن هستی خود روی بیاورند. اما با این حال وسع یک خانواده کارگر هنوز کفاف تامین خوراک روزانه و پوشاک نیست. پس انداز کردن برای تحصیل فرزندان، پس انداز برای روزگار پیری و از کار افتادگی از محالات و به فراموشی سپرده شده. دوست کارگری تعریف میکرد که "رساندن پول تا آخر ماه آنقدر دشوار شده است که دیگر کنار گذاشتن پول برای آینده های دور خواب و خیال، شده است". بهبود وضع زندگی طبقه کارگر در گرو پیشروی در مبارزه طبقاتی است. سالها و مدتهاست که طبقه کارگر در ایران "خوش خیالی" و "انتظار" و "امیدواری به بهبود خودبخودی" را کنار گذاشته است. در چند سال گذشته و بویژه از یکسال گذشته طبقه کارگر در ایران خاموش نیست. به انجا مختلف در شکل اعتصاب و طومار و هراشکالی از مبارزه که بتواند صدای طبقه کارگر و مطالباتشان را بگوش آنها برساند بلند بوده. پرچم و خواست "دستمزدها فوراً باید افزایش یابد" بی وقفه توسط کارگران، رهبران کارگری و طومارهای اعتراضی سی هزار امضا و در اشکال تجمع در مقابل مجلس را بلند کرده و با استحکام هر چه تمامتر به مبارزه برای تحقق این خواست و شعار پایه ای بر خاسته است! این خواست و شعار متحد کننده و فراگیر است. هیچ کارگری امروز از وضع معیشت و سطح زندگی خود رضایت ندارد. همه آنها میدانند که تداوم این وضعیت همه هستی و سلامتی خودشان و خانواده هایشان را به تباهی خواهد کشاند. کارگران رهائی از این فقر و تنگدستی مهلک را حق مسلم خود میدانند، هر بخش از طبقه کارگر که برای افزایش اساسی مزد قد علم کند و آنرا نه

## توجه توجه

### برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید

مجری برنامه: پیدی محمودی

این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ شب به وقت ایران و ۸:۳۰ تا ۱۰ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود

مشخصات ماهواره: KURD KANNEL

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانسی ۱۱۶۴۲ افقی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

برای مشاهده برنامه پخش مستقیم به زبان کردی و دیگر برنامه های کانال جدید از اینترنت به لینک زیر مراجعه کنید.

<http://www.newchannel.tv/>



## از صفحه ۱ قلب مهربان عطا محمد نژاد ...



بعدا در يك كلينيك ديگر در حال سپري كردن دوران نقاهت بود. متاسفانه حدود ساعت ده شب روز گذشته يکشنبه ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۳ يك بار ديگر قلب مهربان و آزادمنش عطا مورد حمله قرار گرفت و اين بار قلبش برای همیشه از حرکت باز ایستاد و از میان ما رفت. عطا کمونیست قدیمی و فعال سیاسی سرشناس علیه حکومت اسلامی ایران، سالها در صف حزب کمونیست ایران و کومه له فعالیت کرده و سپس به عضویت حزب کمونیست کارگری ایران در آمد. او بعنوان يك فعال کمونیست و آزاده و ضد حکومت اسلامی ایران در شهر محل زندگیش و در بین مردمی که او را می شناختند، شناخته شده و چهره ای

دوست داشتی بود. عطا دیواندره چهره محبوب و مهربان در بین مردم دیواندره و کردستان بود. جان باختن این کمونیست پرشور و این انسان مهربان را به همه بستگان، رفقا و همکارانش تسلیت میگویم. در مورد مراسم دفن و بزرگداشت عطا، بعدا دوستان، رفقا و علاقمندان او را مطلع خواهیم کرد. یاد و خاطره عطا همیشه زنده خواهد ماند! یادش گرامی باد!

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آپریل ۲۰۱۳

## اگر چه هنوز مرگت را باور نکرده ایم!

از دست رفته، وداع میکنیم. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم که راس ساعت ۱۲ ظهر در محل در ورودی گورستان مرکزی کیل حضور بهم رسانید! پس از مراسم خاکسپاری برنامه ای در گرامیداشت یاد این مبارز سیاسی و کمونیست در سالنی در شهر کیل برپا میشود.



## آدرس آرامگاه

Verwaltung Süd  
friedhof  
Sarrbrücken str 1  
Kiel 24114

## تلفنهای تماس

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۳۱  
۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

روز جمعه ۵ ماه آوریل ساعت ۱۲ ظهر در شهر کیل - آلمان با عطا محمد نژاد عزیز وداع میکنیم!  
بدین وسیله به اطلاع دوستان و رفقای عطا محمد نژاد میرسانیم که روز جمعه ساعت ۱۲ ظهر در شهر کیل- آلمان با این عزیز

## از صفحه ۱ در گرامی داشت یاد ...



رساند و بدلیل مشکلات مالی خانواده اش علیرغم تمایل و علاقه خودش برای ادامه تحصیل، مجبور به ترك تحصیل شد.

عطا در همان دوران کودکی مثل همه کودکان آن منطقه برای کمک به امرار معاش خانواده اش مجبور به کار کردن در مزرعه شد. در واقع رفیق عطا در همان دوران کودکی با نابرابری جامعه سرمایه داری آشنا شد و طعم تلخ زندگی فقیرانه را با رگ و پوست خودش لمس کرد.

در مقطع انقلاب ۵۷ عطا نوجوانی بیش نبود و با شور و شوق روند اوضاع انقلابی آندوره را دنبال میکرد و مانند هزاران نوجوان دیگر دنبال جواب سوالهایی می گشت که در ذهنش بدنبال پاسخ آنها بود. چرا این همه نابرابری و بیعدالتی وجود دارد، چرا عده ای کم در ناز و نعمت هستند و اکثریت مردم از ابتدایی ترین امکانات محروم هستند و هزارویک سوال دیگر.

بعد از انقلاب ۵۷ و شکل گیری نیروهای سیاسی در کردستان عطا در فضای آزاد آندوره اوضاع کردستان، اهداف و سیاستهای کومه له این جریان را بعنوان نیرویی که می تواند در جهت تحقق پاسخهای او گام بردارد انتخاب کرد. از این رو برای حضور و شرکت در مبارزه متشکل و سازمانیافته در تشکیلات مخفی کومه له فعالیت سیاسی خود را شروع کرد و با شور و شوق در میان جوانان و مردم آن منطقه به تبلیغ کمونیسم و ایده ها و آرمانهای برابری طلبانه پرداخت و در تکثیر و پخش اطلاعاتیه ها و نشریات کومه له فعالانه میکوشید. صداقت و برخورد صمیمانه رفیق عطا در تبلیغ آرمانهای انسانیش و توضیح علل نابرابریهای جامعه با زبانی ساده و شیوا، از او چهره ای آشنا، محبوب و مورد اعتماد در میان مردم منطقه بوجود آورد.

عطا در اوایل سال ۶۳ بعلت مسائل امنیتی و حمله و اشغال مناطق آزاد کردستان توسط نیروهای تا دندان مسلح و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی مجبور شد به صفوف نیروی مسلح و علنی کومه له بپیوندد. از آن زمان تا سال ۶۸ رفیق عطا در صف مبارزه علنی تشکیلات کومه له و حزب کمونیست ایران چه در واحدهای

نظامی و چه در اردوگاهها در فعالیتهای گوناگون شرکت داشت. عطا در میان رفقایاش چهره ای محبوب و دوست داشتنی بود. متاسفانه رفیق عطا در همان دوران از بیماری قلبی رنج میبرد و به همین دلیل در سال ۶۸ از طرف کومه له به کشور آلمان اعزام شد.

در مقطع اختلافات و جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران، رفیق عطا به حزب کمونیست کارگری پیوست و از آن زمان تا لحظه جان باختنش بعنوان عضوی دلسوز، برای تحقق آرمانهای انسانی و کمونیستی حزب به تبلیغ و ترویج کمونیسم و تبلیغ علیه نظام سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی در میان دوستان و همکارانش تلاش می کرد. باور به اهداف کمونیستی و صمیمیت و خصوصیت سرشار از مهربانی اش او را در میان دوستان، همکاران و روابط اجتماعی و گسترده اش به شخصیتی محبوب و دوست داشتنی تبدیل کرده بود و همین باعث شد که عطا بعنوان يك فعال کمونیست و آزاده علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی در شهر محل زندگیش شناخته شود.

عطا در آلمان و در شهر محل زندگیش کیل نیز مورد احترام دوستان و آشنایانش بود. او در این شهر با مردم شهر با جوانان و با فعالین مدافع حقوق انسانی در ارتباط بود و منش و روش و فعالیتها و نقدهش از نابرابریها و توضیح علل مشکلات در همین جامعه آلمان به زبان ساده از او يك دوست و رفیق محبوب برای همه کسانی که عطا را می شناختند ساخته بود. در شهر کیل مردم زیادی عطا را می شناسند. او در برنامه های جدل و بحث با سازمانهای اسلامی در رسانه ها آلمان حضور داشت و در يك برنامه تلویزیونی با مدافعین جنبش

اسلامی با زبان ساده و با درکی عمیق به نقد اسلام و مذهب و حکومت اسلامی ایران پرداخت. عطا يك منتقد سرسخت اسلام و مذاهب و همچنین يك مبارز سازش ناپذیر با حکومت اسلامی ایران و جنبش اسلامی و اسلام سیاسی بود.

در دانشگاه کیل و در جلسات متعددی که در شهر کیل برگزار میشد تا جایی که به ایران و حکومت اسلامی ایران و یا به نقد مذهب و اسلام مربوط میشد عطا در این برنامه ها حضور داشت و صریح و جسورانه از اهداف انسانی خود دفاع میکرد. این نوع فعالیت روشننگرانه، عطا را به چهره ای محبوب و جسور در میان مردم و مدیای آلمانی تبدیل کرده بود.

هر کس عطا را می شناخت، فوراً متوجه رفتار انسانی او، دفاع سرسختانه و صریح او از حقوق انسانی و روشنی فکر و ذهن او میشد و به نوعی احترام و علاقه زیادی به این شخصیت انساندوست پیدا میکرد.

عطا اوایل ماه مارس در حالیکه در يك مرکز ورزشی در شهر کیل آلمان در حال ورزش بود، بر اثر حمله قلبی از هوش رفت و سپس به بیمارستان منتقل شد. تحت عمل جراحی قلب گرفت و بعدا در يك کلینیک دیگر در حال سپری کردن دوران نقاهت بود. متاسفانه حدود ساعت ده شب روز یکشنبه ۳۱ ماه مارس ۲۰۱۳ يك بار ديگر قلب مهربان و آزادمنش عطا مورد حمله قرار گرفت و این بار قلبش برای همیشه از حرکت باز ایستاد و از میان ما رفت.

یاد و خاطره این کمونیست انقلابی و انساندوست برای همیشه زنده و گرامی است.  
۲ آوریل ۲۰۱۳  
۱۳ فروردین ۹۲

## از صفحه ۱ نگاه هفته

### مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی از مردم سلب شده است. به همین تعداد گردشگران ایرانی نسبت به سال گذشته، افزایش یافته است.

**سنندج:** افزایش چند برابری قیمت انواع مایحتاج زندگی مردم در شهر سنندج در ایام نوروز، قیمت گوجه فرنگی از ۲۵۰۰ تومان به ۴۰۰۰ تومان، سیب درختی از ۲۰۰۰ تومان به ۳۰۰۰ هزار تومان، موز از ۴۰۰۰ هزار تومان به ۶۰۰۰ تومان، پیاز از ۲۰۰۰ تومان به ۳۰۰۰ هزار تومان رسیده و کرایه تاکسی هر مسیر در این شهر نیز به میزان ۱۰۰ تومان افزایش داشته است.

### پتروشیمی کردستان اخراج ۱۰ کارگر

بر اساس خبر دریافتی کارفرما و سهام دار جدید پتروشیمی کردستان بنام کابله سوری تعداد ۱۰ نفر از کارگران با سابقه این شرکت را از کار اخراج کرد. بر اساس همین گزارش کارگران این شرکت در تاریخ پانزدهم اسفند ماه سال گذشته به دلیل مطالبات و دستمزدهای معوقه خود به مدت ۱۲ روز دست از کار کشیدند که این اعتصاب بدون نتیجه ای برای کارگران اعتصابی پایان پذیرفت. لازم به ذکر است که آقای کابله سوری یکی از کارفرمایان و سهام دار کارخانه احیاء صنعت نیز می باشد که چند ماه پیش اکثر کارگران خود را به دلیل کم شدن فروش تولیدات کارخانه از کار اخراج کرده بود.

**پساوه:** هشت نفر از بازداشت شدگان در شهر پاوه بصورت بلا تکلیف به زندان "دیزل آباد" کرمانشاه منتقل شدند. معتمد شافعی، محمد نگاری، جهان بخش احمدی، قانع حاتمی، آراس حاتمی، بابک عباسی، پدram قادیان و گوران بهرامی روز چهارشنبه ۷ فروردین ماه به زندان مرکزی دیزل آباد

کرمانشاه منتقل شدند. گفتنی است، تلاش خانواده های دستگیرشدگان برای کسب جوابی مبنی بر دلایل دستگیری و درخواست آنان مبنی بر تودیع وثیقه برای آزادی نامبردگان تاکنون از جانب سپاه پاسداران و دادگستری پاوه بدون جواب مانده است.

مردم در شهرهای کردستان در حمایت از خانواده های دستگیر شدگان و برای آزادی عزیزانشان با اقدامات اعتراضی همواره در کنار آنها قرار گرفته اند. ما مردم شهر و روستاهای پاوه را فرامیخوانیم برای آزادی فوری دستگیرشدگان و حمایت از آنها اقدامات اعتراضی و حمایتی را تدارک ببینند.

**آویهنک:** بنابه گزارش دریافتی، روز پنجشنبه ۸ فروردین ماه دایه "سوراحی نوری زاد" مادر رفیق جانباخته "مختار آویهنک" به دلیل بیماری در یکی از بیمارستان های تهران چشم بر جهان فرو بست. پیکر دایه سوراحی نوری زاد روز پنجشنبه به روستای آویهنک منتقل شد و در روز جمعه ۹ فروردین ماه در میان غم و اندوه اهالی این روستا به خاک سپرده شد.

**سلیمانیه:** کارگران مصر در جلسات "کنگره دمکراسی کارگران مصر" که در روز ۲۴ ماه مارس برگزار شده، از حق بر خور داری اتحادیه کارگران ساختمان سازی در سلیمانیه حمایت میکنند. کارگران خواهان آزادی اتحادیه برای کارگران و مستقل از هر حزب و جریان سیاسی شده اند. کارگران مطالبات زیر را بعنوان فورت ترین مطالبات در حمایت از کارگران در کردستان عراق را اعلام کرده اند: ۱- تامین بیمه بیکاری برای کارگران ۲- تامین بیمه بیکاری برای کارگران در کردستان عراق بدون هر نوع تمایز با سراسر عراق ۳- حق تشکیل اتحادیه ای و متشکل شدن کارگران در کنفدراسیون اتحادیه های کارگری ۴.

برگرداندن تمام اموال، دارایی و امکانات که (از حق استفاده از آن سلب شده اند) اتحادیه ها به آنان ۵- برسمیت شناخته شدن اتحادیه کارگران ساختمان سازی در کردستان عراق ۶- بالابردن توانایی کارگران ساختمان سازی از طریق کلاسهای آموزشی در جهت جلوگیری از حوادث و نا امنی محیط کار

### سنندج: روز شمار دستگیری و اعتراضات فعالین کارگری در سنندج.

**چهارشنبه ۱۶ اسفند:** ماموران اطلاعات وفا قادری را طی تماس تلفنی تهدید کردند که در صورت برگزاری مراسم ۸ مارس در شهر سنندج وی را بازداشت خواهند کرد.

**سحرگاه پنجشنبه ۱۷ اسفند:** ساعت ۳:۰۵ صبح وفا قادری، سید خالد حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد فعالان کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهر سنندج با هجوم ماموران اطلاعات به منزلشان بازداشت شدند. ساعت ۶ صبح علی آزادی عضو دیگر کمیته هماهنگی در محل کارش در سنندج دستگیر شد.

**شنبه و یکشنبه، ۱۹ و ۲۰ اسفند:** خانواده های فعالان کارگری زندانی در سنندج، در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع نموده و ضمن پیگیری وضعیت عزیزانشان خواهان آزادی آنان شدند. وفا قادری از کارگران زندانی ضمن تماس تلفنی کوتاهی که با خانواده اش داشت خبر داد که در سلول انفرادی نگه داری می شود. همچنین علی آزادی طی تماس تلفنی کوتاهی که با همسرش داشت از اینکه در سلول انفرادی و در شرایط نامناسبی نگه داری می شود خبر داد. خالد حسینی نیز طی تماس کوتاهی که با خانواده اش داشت اعلام کرد که قاضی برای وی قرار یک ماه بازداشت صادر کرده است و وی در سلول انفرادی نگه داری می شود.

### بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۰ اسفند:

شرف ساعد پناه، از فعالان کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران با هجوم وحشیانه چندین نفر از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در منزلش دستگیر شد. صبح روز دوشنبه ۲۱

اسفند: جمع کثیری از خانواده های فعالان کارگری دریند در مقابل اداره اطلاعات دست به تجمع زده و خواستار آزادی عزیزانشان شدند. چند تن از نیروهای انتظامی برای کنترل اوضاع در محل تجمع حاضر شدند و هر چه زمان می گذشت به جمع خانواده ها افزوده می شد به طوری که فشار خانواده ها اداره

اطلاعات را ناچار کرد که به یکی از بازداشت شدگان اجازه دهد با بستگان خود تماس کوتاهی بگیرد؛ اما آنان به این هم راضی نشدند و همچنین بر آزادی عزیزانشان پافشاری کردند. این بار وقتی اداره اطلاعات با مقاومت جمعیت روبرو شد با گسیل ده ها ماشین از نیروهای انتظامی و لباس شخصی محل را محاصره و هر دو باند خیابان شبلی را مسدود کرد و از جمعیت خواست آنجا را ترک کنند. تجمع کنندگان ضمن تاکید بر آزادی هر چه سریعتر فعالان کارگری در بند به نیروهای امنیتی و لباس شخصی اعلام کردند تا شما اینجا را ترک نکنید ما نیز در این محل خواهیم بود، که این مقاومت باعث شد نیروهای امنیتی و لباس شخصی عقب نشستند و خانواده ها در ساعت یک بعد از ظهر دسته جمعی محل را ترک کردند.

### سه شنبه ۲۲ اسفند:

جمع زیادی از خانواده های فعالان کارگری بازداشتی در سنندج از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره اطلاعات این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. با مراجعه خانواده ها جهت پی گیری وضعیت عزیزانشان از طرف ماموران به آنها گفته شد بروید تا بعد از تعطیلات دنبال کار بازداشتی ها را نگیرید، اما خانواده ها همچنان بر ماندن در آنجا پافشاری کردند و رفته رفته بر تعداد تجمع کنندگان اضافه شد. ساعت ۳:۱۱ تعداد زیادی از نیروهای امنیتی شامل چندین ماشین و موتور سوار به محل آمدند و از حاضران خواستند محل را ترک کنند ولی حاضران بر ماندن تا دریافت جوابی از سوی اداره اطلاعات اصرار ورزیدند که در این میان نیروهای امنیتی به یکی از حاضران بی حرمتی و به نامبرده حمله کردند که با عکس العمل جمعیت حاضر روبرو شدند. بعد از این برخورد یکی

از نیروهای امنیتی به میان حاضران آمد و ضمن عذرخواهی از آنان، اعلام کرد که تا ۲۰ دقیقه دیگر به آنها جواب خواهند داد؛ بعد از ۲۰ دقیقه به آنها گفته شد تا بعد از سیزده بدر به آنجا مراجعه نکنند. سپس جمعیت با تاکید بر اینکه دوباره بر می گردند در ساعت ۳:۱۱ ظهر به تجمعشان پایان دادند.

### چهارشنبه ۲۳ اسفند:

ساعت ۳:۰۹ صبح خانواده های فعالان بازداشتی، همچون روزهای گذشته در مقابل اداره اطلاعات برای پیگیری وضعیت عزیزانشان تجمع کردند. مطابق روزهای قبل نیروهای امنیتی هم از همان ساعات اولیه در محل حاضر شدند؛ این در حالی بود که روز قبل نیروهای امنیتی به خانواده ها گفته بودند که تجمع آنان غیر قانونی است و دیگر به آنجا نروند، ولی حاضران گفته بودند که تجمع برای آگاه شدن از سرنوشت عزیزانشان حق آنان است. در این فاصله یک نفر از نیروها به داخل اداره اطلاعات رفت و بعد از مدتی به میان خانواده ها آمد و به آنها قول داد تا روز شنبه ۲۵ اسفند پرونده بازداشت شدگان تکمیل شود و خانواده ها ساعات ۳:۱۱ ظهر محل را ترک کردند.

### شنبه ۲۶ اسفند:

جمع کثیری از خانواده های فعالان کارگری بازداشتی سنندج از ساعت ۳:۰۹ صبح در مقابل اداره بازداشت و بی خبری از سر نوشت عزیزانشان دست به تجمع اعتراضی زدند. مطابق معمول روزهای گذشته نیروهای امنیتی از همان ساعات اول در محل تجمع حاضر شدند. در ساعت ۳:۱۰ صبح چند تن از خانواده ها به داخل اداره اطلاعات فراخوانده شدند و با یکی از مسئولان صحبت کردند و خواهان آزادی عزیزان خود شدند که از طرف مسئول مربوطه این چنین جواب گرفتند "فعلن به دنبال این پرونده ها نیاید". این جواب در حالی گفته شد که روز چهارشنبه مسئولان به آنها قول داده بودند که شنبه پرونده بازداشتی ها را به دادگاه می فرستند و زمانی که خانواده ها گفته بودند پس قول شما چه شد در جواب به آنها



**نگاه هفته...**

از صفحه 4

گفته شد که به خاطر پایان دادن به تجمعشان چنین حرفی به آنها زده شده است. خانواده‌ها در جواب تهدید کردند که اعتراض خود را به مقابل استانداری خواهند کشاند و تا ساعات ۲:۳۰ به تجمع خود ادامه دادند و با تاکید بر آزادی فعالان کارگری به تجمع آنروز خود پایان دادند.

**یکشنبه ۲۷ اسفند:**

جمع زیادی از خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در ادامه تجمع اعتراضی خود نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزانشان برای هشتمین روز متوالی در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج دست به تجمع زدند. خانواده‌ها روز قبل به نیروهای امنیتی هشدار داده بودند اگر به آنها پاسخی ندهند تجمع خود را در مقابل استانداری ادامه خواهند داد. معترضان تا ساعت ۱۲ ظهر به تجمع خود در مقابل اداره اطلاعات ادامه داده و سپس به سمت استانداری به راه افتادند. راهپیمایی خانواده‌های فعالان بازداشتی در چند خیابان به سمت استانداری توجه مردم را به خود جلب کرد. در طول مسیر راهپیمایی به سمت استانداری، خانواده‌ها به مردم توضیح می‌دادند که علت راه پیمایی شان چیست. در مقابل استانداری رفته و توضیحاتی در رابطه با دلایل این تجمع به معاون استاندار داده و سپس معاون استاندار قول داد در صورتی که خانواده‌ها به تجمعشان پایان دهند برای فردای آن روز یعنی ۲۸ اسفند امکان ملاقاتشان با استاندار را فراهم کند. در پی این وعده خانواده‌ها ضمن تاکید بر ادامه تجمعات در صورت عدم پاسخگویی، دسته جمعی خیابان استانداری را ترک کردند.

دوشنبه ۲۸ اسفند: جمع کثیری

از خانواده‌های بازداشت شدگان ۱۷ اسفند در دوازدهمین روز از بلا تکلیفی عزیزانشان از ساعات ۹:۳۰ در مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. طبق روال روزهای گذشته نیروهای امنیتی در همان ساعات اولیه در محل تجمع حاضر شدند. در میان حاضرین يك نفر که از طرف جمع به عنوان نماینده انتخاب شده بود و روز قبل به او وعده ملاقات با استاندار داده بودند به استانداری مراجعه کرد اما متأسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخ‌هایی همچون "استاندار اینجا نیست و این پرونده باید مراحل قانونی خود را طی کند" روبرو شد. این تجمع تا ساعت ۱ ظهر ادامه پیدا کرد سپس معترضان محل را ترک کردند.

**سه شنبه ۲۹ اسفند:**

ساعت ۱۲ ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد. نام برده در آستانه ۸ مارس و همچنین بعد از دستگیری ۶ فعال کارگری در ۱۷ اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعات از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند.

**سه شنبه ۲۹ اسفند:**

هم زمان با بازداشت غالب حسینی در محل کارش، نیروهای امنیتی با یورش به منزل شخصی اش، اقدام به بازداشت موقت همسر ایشان گللباغ بهمی نموده. نیروهای امنیتی با توسل به تهدید گللباغ بهمی، و تحمیل فشار روانی بر ایشان، سعی بر شکستن مقاومت نام برده و دست شستن از حمایت همه جانبه اش از فعالیت های کارگری شوهرش نمودند، که نامبرده با مقاومت خود، بار دیگر بر

حقانیت فعالیت های غالب حسینی و دیگر فعالان کارگری تاکید ورزید. **سه شنبه ۲۹ اسفند:**

در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی، خانواده‌ها اعلام کردند که سفره ی هفت سین خود را در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خواهند بود.

**سه شنبه ۲۹ اسفند:**

خانواده‌های فعالان کارگری دریند با انتشار اطلاعیه‌ای از مردم شهر سنندج و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی در خواست کردند که به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوه‌ی ممکن آنان را در جهت آزادی عزیزانشان یاری کنند. در این اطلاعیه آمده است: «کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب، تشکل های کارگری در ایران و سراسر جهان! همانگونه که مطلع هستید ۵ تن از فعالین کارگری عضو کمیته ی هماهنگی در آستانه روز جهانی زن (۸ مارس) در روز ۱۷ اسفند در خانه‌ها و محل کارشان با هجوم نیروهای لباس شخصی دستگیر و تاکنون در اداره اطلاعات در بازداشت به سر می‌برند؛ ۲ روز بعد با هجومی دیگر شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز دستگیر شد. هم اکنون نزدیک به دو هفته از بازداشت همسران و فرزندان ما می‌گذرد. آنان به چه جرمی مورد غضب حافظان سرمایه قرار گرفته‌اند؟ عزیزان ما به نابرابری های اجتماعی معترضند. از حقوق کارگران دفاع می‌کنند، به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر معترضند. آنها خواهان يك زندگی انسانی برای تولیدکنندگان تمام ثروت های بشری هستند. آنها می‌گویند همه امکانات جامعه حاصل کار و رنج ما کارگران است ولی چرا ما همیشه در سختی به سر می‌بریم. آنها خواهان امنیت شغلی برای کارگران هستند. خواهان بیمه بی‌کاری برای کارگران آمده به کارند. خواهان بیمه زنان خانه دار هستند و خواهان تعیین دستمزد به تناسب نرخ تورم هستند. در حالی که تورم به روز شده است چرا باید حقوق کارگران ثابت و چند برابر زیر خط فقر باشد. آیا دفاع از خواست و

مطالبات بر حق کارگران جرم است. عزیزان ما به غیر از دفاع از خواست و مطالبات برحق کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. اکنون بار دیگر ما خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی علی‌آزادی، حامد محمود نژاد، شریف ساعد پناه، سید خالد حسینی، وفا قادری و بهزاد فرج الهی از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی و به خصوص مردم شهر سنندج در خواست می‌کنیم به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوه‌ی ممکن ما را در جهت آزادی عزیزانمان یاری کنند.

**چهارشنبه ۳۰ اسفند:**

بار دیگر خانواده‌های فعالان کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده‌ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان را آزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده‌ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.

**چهارشنبه ۳۰ اسفند:**

یکی دیگر از فعالان کارگری سنندج و عضو کمیته هماهنگی به نام کوروش بخشنده طی تماسی تلفنی احضار و مورد بازجویی قرار گرفت که پس از ۲ ساعت بازجویی به وی ابلاغ شد که تا ۱۵ فروردین فرصت دارد که از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری استعفا دهد و در غیر این صورت با وی برخورد خواهد شد.

**شنبه سوم فروردین ۹۲:**

«اگر لباس تازه هم داشتیم نمی‌توانستیم به تمنان کنیم و سال تازه را جشن بگیریم چون پدر عزیزمان در زندان است و بدون او ما هیچ شوقی نداریم» «این جمله برگرفته از نامه ایست که فرزندان دوقلوی دبستانی غالب حسینی، فعال کارگری زندانی نوشته‌اند. درست روزی که قرار بود نینا و هدیه حسینی به همراه پدر خود بروند لباس نو برای عید بخردند، شاهد دستگیری پدرشان شدند و

ساعتی بعد هم شاهد دستگیری مادر خود توسط مأموران اداره اطلاعات سنندج شدند و تا ساعتها بعد که مادرشان همچنان در بازداشت و بازجویی به سر می‌برد آنها در دلهره و نگرانی فقدان هر دو والدین خود بودند. متن کامل نامه نینا و هدیه حسینی: «درود بر همه‌ی آزادی خواهان جهان! من نینا حسینی و خواهر دوقلویم هدیه حسینی به تمام مردم ایران می‌گویم که پدر ما غالب حسینی فعال کارگری هیچ جرمی نکرده است. و با حمله ی نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده و زندانی شده است. همان روزی که پدرمان دستگیر شد قرار بود ما را برای خرید نوروژی به خیابان ببرد و لباس های تازه ی عید را برای ما بخرد تا با آنها سال تازه را جشن بگیریم و در کنار هم سال خوشی را شروع کنیم. اما الان هیچ لباسی نخریده ایم. اما اگر لباس تازه هم داشتیم نمی‌توانستیم به تمنان کنیم و سال تازه را جشن بگیریم چون پدر عزیزمان در زندان است و بدون او ما هیچ شوقی نداریم. ما هر دو نفر آرزو می‌کنیم هر چه زودتر پدر عزیزمان آزاد شود و همه ی زندانی‌های سیاسی و فعال های کارگری آزاد شوند تا در کنار فرزندانمان عید را جشن بگیرند. - نینا حسینی و هدیه حسینی کلاس سوم ابتدایی - سوم فروردین ۱۳۹۲»

**پنجشنبه ۸ فروردین ۹۲:**

شریف ساعد پناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران، پس از گذشت ۱۷ روز بازداشت، با وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد.

**یکشنبه ۲۷ اسفند:**

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه با صدور بیانیه‌ای اعتراض خود را نسبت به دستگیری و حبس فعالان کارگری سنندج اعلام کرد. «این انسانهای شریف هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند که باید جایشان در بازداشتگاه باشد. اینها کسانی هستند که به فقر و بی‌عدالتی، به حقوق چندین برابر زیر خط فقر ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض داشته‌اند. اینها خواستار يك زندگی انسانی برای همه و از



**نگاه هفته...**

از صفحه 5

جمله کارگران هستند و تنها به این جرم بازداشت و زندانی شدن نیستند. در هیچ جای دنیا خواستار زندگی انسانی بودن به هیچ وجه جرم نیست و کسی به خاطر آن به زندان نمی رود. این اقدام تنها در ایران صورت می گیرد زیرا جوابی جز زندان برای خواست انسانی کارگران که حقوق ۴۸۷ هزار تومانی نمی خواهند ندارند. بازداشت این اشخاص به منظور ساکت نشانیدن میلیونها کارگر رنج دیده و فقر زده است تا نسبت به هر بلا و وحشتناک تری که سرشان بیاورند، صدایشان در نیاید. بازداشت فعالین کارگری اتفاق تازه ای نیست. هر بار که خواسته شده است تا به حرمت و شأن انسانی کارگران یورش برده شود چنین اتفاقاتی افتاده است. یورش به فعالان کارگری شهر سنندج نیز در راستای تحمیل مزد ۴۸۷ هزار تومانی است و می خواهند کل طبقه کارگر را با این اقدام به سکوت بکشانند. اما کارگران در مقابل، ساکت نخواهند نشست ولی قبل از هر چیز باید به بازداشت فعالان خود شدیداً اعتراض نمایند. باید فعالان را از بند رها نمود و در ادامه خواهان اعاده حقوق از دست رفته خود و از جمله افزایش دستمزد مطابق با استانداردهای بین المللی شد. «لازم به ذکر است که به گزارش کلمه کارگری، ویلاگ انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه به فاصله کوتاهی پس از صدور این بیانیه از دسترس کاربران اینترنت خارج شد و بجای آن در آدرس این ویلاگ نوشته ذیل به توجه مراجعه کنندگان این ویلاگ میسر شد: «این ویلاگ به دستور کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسدود شده است.»

**سهشنبه ۲۹ اسفند:**

رضا شهابی، عضو هیات مدیره و خزانه دار سنندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بیانیه ای تحت عنوان "جای کارگران در زندان نیست!" به این شکل منتشر کرد: «کارگران و مردم آزادیخواه! اخیراً دور تازه ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری تشدید شده است. ۷ تن از فعالین کارگری

به نامهای خالد حسینی، وفا قادری، علی آزادی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و شریف ساعدپناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر و زندانی شده اند و تعدادی دیگر از فعالین کارگری تهدید یا احضار شده اند. این تهدید و ارباب و دستگیریها در حالی است که محمد جراحی، فریبرز رئیس دانا، شاهرخ زمانی، پدرام نصرالهی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر می برند. فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می شوند که قشر فرودست و زحمتکش از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می برند و هر روزی که می گذرد قدرت خرید طبقه کارگر پائین می آید و امید به زندگی را از دست می دهند. در چنین شرایطی کارگران و فعالین کارگری برای دفاع از مطالبات و حقوق از دست رفته خود راهی جز ایجاد تشکل مستقل کارگری ندارند. آیا سزاوار است کارگران و فعالین کارگری که چرخ اقتصاد کشور را به چرخش در می آورند در آستانه عید نوروز به خاطر حق خواهی و درخواست یک زندگی شرافتمندانه زندانی شوند و خانواده و فرزندان این زحمتکشان را چشم انتظار گذاشت؟ جای این زحمتکشان در زندان نیست بلکه آنها باید در آستانه عید نوروز در کنار خانواده، همکاران و هم طبقه ایهای خود قرار بگیرند. من و هم طبقه ایهایم برای دفاع از کارگران زندانی ساکت نخواهیم نشست و بازداشت و زندانی و محکوم کردن کارگران را محکوم می کنیم. کارگران، تشکلهای کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی! از شما می خواهم نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی تفاوت نباشید و از هر طریق ممکن به ادامه بازداشت آنها اعتراض و خواستاری آزادی همه کارگران زندانی باشید.»

**شنبه ۳ فروردین ۹۲:**

جمعی از کارگران شهر سنندج در اعتراض به بازداشت فعالان کارگری این شهر بیانیه ای منتشر کردند. «کارگران در بند تنها به

جرم عضویت در تشکلهای کارگری، و دفاع از حقوق کارگران، و اعتراض به سفره خالی آنان، بازداشت و محبوس شده اند. فعالینی که با پایبندی به اصول انسانی طبقه کارگر، ثابت نموده اند منافعی جدای از منافع کارگران نداشته و نخواهند داشت. با درک این واقعیتها، تنها سوآلی که ذهن هر انسان آگاه و وجدان بیداری را مشغول خود میسازد این است که: آیا دفاع از نان و مسکن و آزادی کارگران و محرومان مستحق چنین عقوبتی میباشد که این عزیزان دچار آند؟ مگر برآیند فریاد مساوات و برابری طلبی اینان موجب گستراندن عدالت اجتماعی و رفاه فراگیر و همگانی نخواهد بود که اینچنین در بند و اسیرند؟»

**یکشنبه ۴ فروردین ۹۲:**

علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سنندیکای نیشکر هفت تپه در پیامی حمایت خود را از کارگران در بند و اعتراض خود را نسبت به بازداشت و حبس آنان و تهدید و ارباب خانواده هایشان اعلام کرد. متن کامل این پیام «در آستانه روز جهانی (۸ مارس) و سال نو تعدادی از کارگران به نامهای بهزاد فرج الهی، علی آزادی، وفا قادری، خالد حسینی، حامد محمودنژاد و غالب حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی و شریف ساعد پناه از اعضای اتحادیه آزاد بازداشت و زندانی شدند. این بازداشتها در شرایطی انجام می گیرد که موج بیکاری فزاینده ای کشور را فرا گرفته و تورم افسار گسیخته و گرانی سرسام آور کمربندهای کارگر را خم کرده است. مگر این کارگران چه خواستهای داشتند که در آستانه سال نو بایستی در زندان باشند؟ جز اینکه خواستار دستمزد عادلانه و زندگی شرافتمندانه برای کارگران و مردم عزیز و رفع تبعیض بودند؟ آیا جای این انسانهای شریف در زندان است. این نوع برخوردها و تهدید و ارباب خانواده ها و بازداشت کارگران محکوم است و خواستار آزادی فوری و بی قید شرط این کارگران هستیم. با ارزیابی اتحاد و همبستگی تمامی کارگران»

**پنجشنبه ۸ فروردین ۹۲:**

اتحادیه آزاد کارگران ایران که

خبر آزادی شریف ساعد پناه، عضو هیئت مدیره این اتحادیه را منتشر کرد، «پس از گذشت ۱۷ روز از بازداشت شریف ساعد پناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران، امروز با وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد. شریف ساعد پناه این مدت تحت بازداشت اداره اطلاعات سنندج بود. روز هفدهم اسفند ۵ تن از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری که ظاهراً در ارتباط با تلاش برای برگزاری روز جهانی زن دستگیر شده و سه روز پس از آن شریف ساعد پناه نیز توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت شد. طی سالیان گذشته تا به امروز فعالین و رهبران کارگری همواره با اتهاماتی بی اساس تحت فشار قرار گرفته اند تا در مبارزه برای خواستههای مشروع و به حق کارگران وادار به سکوت گردند. بازداشت های اخیر در روزهای پایانی سال گذشته نیز در این راستا صورت گرفته است. اتهاماتی که نهادهای امنیتی برای ساکت کردن فعالین کارگری به آنان وارد میکنند علی رغم بی ارتباط بودن به فعالیت اجتماعی کارگرانی چون شریف ساعد پناه، امروزه جزئی از حقوق مدنی خسته ناپذیر و پذیرفته شده شهروندان در سطح دنیا می باشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تبریک به شریف ساعد پناه و خانواده و دوستانداران وی، خواهان آزادی تمامی کارگران در بند و از جمله ۵ تن از اعضای کمیته هماهنگی می باشد که نوروز امسال را بجای حضور در کنار خانواده های خود، در بازداشتگاه می گذرانند.»

**یکشنبه ۱۰ و ۱۱ فروردین ۹۲:**

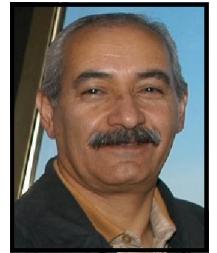
خانواده های فعالین کارگری بازداشتی و جمعی از مردم در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته ی هماهنگی در مقابل دادگاه انقلاب سنندج حضور پیدا کردند و خواهان آزادی عزیزانشان شدند. نیروهای امنیتی و انتظامی با حضور در محل تجمع و تهدید آنان از تجمع کنندگان خواستند تا به این تجمع پایان داده و آنجا را ترک کنند؛ اما با بی اعتنائی حاضرین رو برو شدند و در نهایت چند نفر از حاضرین به عنوان نماینده با

دادستان کل آقای جواهری ملاقات کرده و وی نیز به نماینده ها وعده داد تا پایان تعطیلات که ۱۶ فروردین می باشد تحقیقات در باره پرونده بازداشت شدگان را به اتمام برسانند. حاضرین اعلام کردند که اگر در موعد مقرر جوابی قطعی به آنان داده نشود به تجمع خود مقابل دادگاه انقلاب ادامه خواهند داد.

**دوشنبه ۱۲ فروردین ۹۲:**

در محکومیت بازداشت فعالین کارگری در بند - جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه. کارگران، مردم آزاده! همان گونه که مطلعید بیش از سه هفته است که تعدادی از کارگران و فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، به اسامی حامد محمودنژاد، علی آزادی، بهزاد فرج الهی، وفا قادری، خالد حسینی و غالب حسینی در بازداشتگاه اداره اطلاعات در سنندج بسر می برند و ضمن پیگیری خانواده ها و نیز دیگر فعالین کارگری، وضعیت آنها هنوز در بلاتکلیفی می باشد. این بازداشت و تهدید فعالین کارگری در شرایطی صورت می گیرد که حامیان و محافظان سرمایه با حمله همه جانبه به سفره خالی کارگران، قصد خاموش کردن صدای اعتراض کارگران و پیشروان جنبش کارگری نسبت به بیکار سازی های گسترده، فقر، و تورم و گرانی افسار گسیخته و... که روز به روز نیز در حال گسترش می باشد و بسیاری از مردم حتی قادر به تامین نیازهای اولیه زندگی شان نیستند؛ دارد. به همین خاطر ما جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت فعالین کارگری در سنندج؛ وجود تشکل های مستقل را حق بدون چون چرای خود دانسته و فعالیت انسانی این افراد در چنین تشکل هایی کاملاً برحق بوده و بار دیگر ضمن حمایت از خواست و مطالبات طبقه کارگر در ایران، خواهان آزادی بی قید و شرط این کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و سیاسی می باشیم.

پرونده يك زندانی سیاسی محکوم به اعدام "شیرکو معارفی" با گذشت



عبدل گلپریان

اعتصاب شروع شد و بعد از دو روز که از اعتصاب می گذشت تمامی محوطه ترمینال که به اندازه یک سوم یک میدان فوتبال بود، مملو از کالاهایی شد که بعلت اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد از انتقال به کامیونها روی زمین مانده بود و یاد انبارها خوابیده بود. اعتصاب این ۱۰ نفر کارگر باعث شد دهها کامیون از انتقال کالاهای تجارتي متوقف بمانند، فروشندگان کالا در تهران و خریداران در سمنندج، کرمانشاه و مریوان صدای اعتراض شان رو به مدیریت شرکت بلند شده بود.

مدیر شرکت که با من روابط تقریبا حسنه ای داشت، چند بار از من درخواست کمک نمود و به من گفت: "تو با کارگران رابطه خوبی داری با آنها صحبت کن و شرایط من را برایشان توضیح بده بلکه اعتصاب را تمام کنند" جالب اینجاست بود که مدیریت شرکت وضعیت وخیم خود از این اعتصاب را پنهان نمی کرد. یادم هست که به من گفت عبدل خیلی تحت فشار هستم آنها به حرف تو گوش می کنند خواهش می کنم قانعشان کن. در پاسخ بهش گفتم خوب دستمزدشان را اضافه کن قال قضیه را بکن. من هم وقتی به نزد کارگران می رفتم چگونگی وضعیت کارفرما را و اینکه دارد به خواهش و تمنا می افتد و در وضع ناهنجاری قرار گرفته، برای کارگران بازگو می کردم و ازشان خواستم که محکم روی خواستههایشان بایستند و اعتصاب را ادامه دهند چون مدیر شرکت به تنگنا افتاده و راهی جز افزایش دستمزدهای شما را ندارد. بلاخره اگر فراموش نکرده باشم شاید

۲۳ یا ۲۴ روز این اعتصاب طول کشید و دست آخر مدیر شرکت این

## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سوم

بخش ناچار به قبول افزایش دستمزد کارگران شد. این یک موفقیت برای کارگران و برای من هم بود چرا که برای پیروزی آن تلاش زیادی را بکار گرفتم. بعد از این اعتصاب و موفقیت آن بود که رابطه کارگران با من بسیار نزدیکتر شد. تاثیر این اعتصاب بر کارگران بخشهای دیگر تا آن حد بود که مدیران بخشهای غیر اعتصابی مقداری متعادل تر با کارگران بخش خود برخورد می کردند و نگران از تاثیر اعتصاب کارگران بخش غرب بر دیگر کارگران بخش خود بودند.

اینجا بد نیست خاطره ای را که به رابطه من با کارگران شرکت مربوط بود تعریف کنم. یکی از راننده های شرکت به اسم فرج برخوردارمشهور به کاکای فرج بود. من کاکای فرج را از سالهای ۵۰ که همراه با دانی ام راننده و همکار بود می شناختم. بعد از استخدام در شرکت حمل و نقل، دوباره او را دیدم که او نیز با کامیون خود به انتقال کالا از سمنندج به تهران و بلعکس اشتغال داشت. بارها نامه های تشکیلات را از سمنندج به تهران می آورد شخصیت بسیار قابل اعتمادی بود و در واقع طی آن مدت در تهران، کاکای فرج که انسانی زحمتکش و بسیار شریف و دوست داشتنی بود، بیشتر با هم دوست و رفیق شدیم. ۲۰ سال بعد از اینکه به تشکیلات علنی کومه له آمده بودم، به دیدن پسرش که در میان نیروهای مسلح کومه له فعالیت داشت آمده. دوباره همیگر را دیدیم و بعد از دیدار و در آغوش کشیدن همیگر، لحظاتی را به گپ زدن با هم مشغول شدیم، اوضاع تهران و شرکت را بعد از خروج من از تهران به مناطق آزاد کردستان ازش جویا شدم. برایم تعریف کرد و گفت: "عبدل بعد از اینکه تو از شرکت حمل و نقل رفتی و به مناطق آزاد کردستان برگشتی، شاید بعد از گذشت ۷ ماه بود که یک روز در محوطه باربری شرکت ایستاده بودم که بناگاه یک دسته موتور سوار از پاسداران و کمیته چی ها (تعدادی در حدود ۱۰ نفر)، سرعت وارد

اینجا بد نیست خاطره ای را که به رابطه من با کارگران شرکت مربوط بود تعریف کنم. یکی از راننده های شرکت به اسم فرج برخوردارمشهور به کاکای فرج بود. من کاکای فرج را از سالهای ۵۰ که همراه با دانی ام راننده و همکار بود می شناختم. بعد از استخدام در شرکت حمل و نقل، دوباره او را دیدم که او نیز با کامیون خود به انتقال کالا از سمنندج به تهران و بلعکس اشتغال داشت. بارها نامه های تشکیلات را از سمنندج به تهران می آورد شخصیت بسیار قابل اعتمادی بود و در واقع طی آن مدت در تهران، کاکای فرج که انسانی زحمتکش و بسیار شریف و دوست داشتنی بود، بیشتر با هم دوست و رفیق شدیم. ۲۰ سال بعد از اینکه به تشکیلات علنی کومه له آمده بودم، به دیدن پسرش که در میان نیروهای مسلح کومه له فعالیت داشت آمده. دوباره همیگر را دیدیم و بعد از دیدار و در آغوش کشیدن همیگر، لحظاتی را به گپ زدن با هم مشغول شدیم، اوضاع تهران و شرکت را بعد از خروج من از تهران به مناطق آزاد کردستان ازش جویا شدم. برایم تعریف کرد و گفت: "عبدل بعد از اینکه تو از شرکت حمل و نقل رفتی و به مناطق آزاد کردستان برگشتی، شاید بعد از گذشت ۷ ماه بود که یک روز در محوطه باربری شرکت ایستاده بودم که بناگاه یک دسته موتور سوار از پاسداران و کمیته چی ها (تعدادی در حدود ۱۰ نفر)، سرعت وارد

مسئله بود که از طرف تشکیلات تهران آنچه که نیازمندیهای اساسی نیروی مسلح آندوره کومه له را تشکیل میداد، تهیه و خریداری می شد و بخشا نیز از طرف جریانات سیاسی مردم بعنوان کمک در اختیار تشکیلات تهران قرار می گرفت. رفقا فعال در تهران این نیازمندیها را بطور منظم و در محل امن و مطمئنی بسته بندی می کردند و با اطمینان خاطر و در پوشش کالاهای معمولی آنرا تحویل بخش حمل و نقل می دادند. هر بار و قبل از تحویل هر محموله ای ابتدا من را در جریان قرار می دادند.

گیرنده محموله ها نیز تشکیلات سمنندج بود که از طریق آدرسهای علنی و محلهای طبیعی فعالین که شغلهای متعدد داشتند فرستاده می شد. من بعنوان کسی که در موقع انتقال کالا ها به کامیون فقط تعداد آنها، اسم گیرنده ها و کرایه تقریبی آن را می نوشتم، وسایل و محموله های مورد نظر که توسط رفقای تشکیلات تهران به شرکت حمل و نقل آورده می شد، می شناختم. این وسایل را طوری برنامه ریزی می کردم که با سرویس برگشت کامیونهای چند نفر از راننده های قابل اعتماد سازمان می دادم. بجز ایرج فرجاد که یکی از فعالین تشکیلات بود بقیه راننده ها از محتوای محموله ها اطلاعی نداشتند. اما اطمینان داشتم که تا رسیدن به مقصد از سوی آنها بخوبی مراقبت می شود و چیزی لو نمی رود. این کار طی این مدت مرتب و تحت نظارت من و همچنین رفقای از تشکیلات تهران که جا دارد در اینجا ازشان یاد کنم انجام می گرفت.

(طیب عباس روح الهی و مسعود مدرسی) که در جریان ضربه ای که به تشکیلات تهران وارد شد هردو نفر آنها دستگیر شدند و

توسط رژیم اسلامی اعدام شدند. یکی دیگر از رفقا که او نیز در این عرصه بعنوان رابط کار می کرد کریم نظری بود که در سال ۲۰۰۴ به علت بیماری سرطان در سوئد جان خود را از دست داد.

رفوف زارعی نیز یکی از فعالین تشکیلات سمنندج بود که در مواردی زیادی برای خرید نیازهای اساسی تشکیلات علنی، شخصا به تهران می آمد و وظایف و ماموریت خود را در نهایت احساس مسئولیت و با کاردانی بالایی به انجام می رساند. رفوف زارعی راننده کامیون و کارگر زحمتکشی بود که به معنای واقعی ستم و استثمار نظام سرمایه داری علیه طبقه کارگر را لمس می کرد و در صحبت با هم قطاران خود، نابرابری های وارونه نظام سرمایه داری را به زبانی بسیار ساده برایشان توضیح می داد. یکی از خاطره هایی که از رفوف بیاد دارم این بود که در یکی از ماموریتهایش برای خرید یک دستگاه موتور برق برای تشکیلات علنی، به تهران آمد. بعد از تهیه و انتقال موتور برق به سمنندج، آنرا شب هنگام بدوش گرفته بود و از سمنندج تا روستای باوریز که مسافتی در حدود شاید فکر کنم ۱۰ کیلو متر است به آنجا انتقال داده بود. وقتی ازش پرسیدم چگونه توانستی این مصادف طولانی را با آن دستگاه موتور برق تنه طی کنی در جوابم گفت: برای مبارزه علیه سرمایه و نظام سرمایه داری کارهای زیادی باید کرد. رفوف زارعی اساسا خود را بعنوان عضوی از طبقه کارگر در مبارزه علیه نظام سرمایه داری تعریف می کرد و از این زاویه به مبارزه علیه رژیم اسلامی تازه بقدرت رسیده و تلاش برای تقویت و پیشبرد فعالیتهای

ادامه دارد



کریم نظری

رفوف زارعی

مسعود مدرسی

طیب عباس روح الهی

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!**



## نگاه هفته...

از صفحه 6

بیش از ۱ سال از توقف اجرای حکم اعدام همچنان در کمیسیون عفو بخشندگی سنندج بلا تکلیف می باشد. به گزارش وب سایت کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی و به نقل از یکی از اعضای خانواده ی معارفی، علی رغم وعده های مسئولین مبنی بر لغو اعدام "شیرکو" و تعدیل این حکم به حبس اما تاکنون هیچ تغییری در پرونده ی وی حاصل نشده است و همچنان با حکم اعدام به سر می برد.



در جریان تهیه این شماره نگاه

هفته در فاصله ۲۷ مارس تا ۲۲ آوریل به (ونسان فان گوگ) متولد ۳۰ مارس ۱۸۵۳ در لاهه هلند برخورد. وقتی متن زیر را میخواندم حیفم شد که این معرفی کوتاه از او را برای سر دبیر نشرها "ایسکرا" نفرستم. تولد "ونسان فان گوگ" نقاش شهیر هلندی (۱۸۵۳) ونسان فان گوگ یکی از پرآوازه ترین نقاشان هنر مدرن قرن نوزدهم، در ۳۰ مارس ۱۸۵۳ م در لاهه هلند به دنیا آمد. وی در ابتدای جوانی به کارهای گوناگونی روی آورد ولی در سی سالگی عشق غریبی به نقاشی پیدا کرد. از این رو به فراگیری نقاشی روی آورد و در این هنر به تحصیل پرداخت. فان گوگ به واسطه وسواس زیادی که در نقاشی داشت، اخلاقی تند و یک نوع خشم و عصبانیت همیشگی در او بود. از این رو، در اثر همین بحران عصبی گوشش کر شد و حال غیرعادی یافت. با این

وجود در حال تب و هذیان هم زغال به دست می گرفت و روی کاغذ طراحی می کرد.

فان گوگ در ابتدا از رنگ های تیره استفاده می کرد و از سال ۱۸۸۶ م به رنگ های زنده و روشن توجه نمود. وی در این ایام، نشاط و فعالیت بی سابقه ای یافت و تابلوهای بسیاری کشید. با وجود جنون ادواری که عارض او می شد، تابلوهای بسیاری از فان گوگ به یادگار مانده است. این نقاش بلند آوازه هلندی، طی پنج سال آخر عمرش بیش از ۸۰۰ تابلوی رنگ روغن پدید آورد. سیب زمینی خواران و گل آفتاب گردان از زیباترین آثار فان گوگ به شمار می روند. ونسان فان گوگ سرانجام در ۲۸ ژوئیه سال ۱۸۹۰ م در ۳۷ سالگی خودکشی کرد.

\*\*

## تجمع مجدد در مقابل دادگاه انقلاب سنندج در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری

این نحوه برخورد و عدم پاسخگویی، به مسئولین مربوطه اعلام کردند که تا زمان آزادی فعالین کارگری بازداشتی به تجمعات خود ادامه خواهند داد. کمیته هماهنگی

تجمع کنندگان ضمن درخواست آزادی این فعالین همچنین خواهان ملاقات با دادستانی جهت پیگیری وضعیت پرونده شدند که متأسفانه موفق به ملاقات با دادستان نشدند. تجمع کنندگان ضمن اعتراض به

روز ۱۰ فروردین جمعی از فعالین کارگری و خانواده های اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی در اعتراض به دستگیری این فعالین در مقابل دادگاه انقلاب شهر سنندج تجمع نمودند.

## در محکومیت بازداشت فعالین کارگری

بازداشت فعالین کارگری در سنندج، وجود تشکل های مستقل را حق بدون چون چرای خود دانسته و فعالیت انسانی این افراد در چنین تشکل هایی کاملاً برحق بوده و بار دیگر ضمن حمایت از خواست و مطالبات طبقه کارگر در ایران، خواهان آزادی بی قید و شرط این کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و سیاسی می باشیم.

خالی کارگران، قصد خاموش کردن صدای اعتراض کارگران و پیشروان جنبش کارگری نسبت به بیکار سازی های گسترده، فقر، و تورم و گرانی افسار گسیخته... که روز به روز نیز در حال گسترش می باشد و بسیاری از مردم حتی قادر به تامین نیازهای اولیه زندگی شان نیستند؛ دارد.

جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه

به همین خاطر ما جمعی از کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه ضمن محکوم کردن ادامه



بلا تکلیفی می باشد. این بازداشت و تهدید فعالین کارگری در شرایطی صورت می گیرد که حامیان و محافظان سرمایه با حمله همه جانبه به سفره

## شریف ساعد پناه با وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد

همواره با اتهامات بی اساس تحت فشار قرار گرفته اند تا در مبارزه برای خواسته های مشروع و به حق کارگران و آوار به سکوت گردند. بازداشت های اخیر در روزهای پایانی سال گذشته نیز در این راستا صورت گرفته است. اتهاماتی که نهادهای امنیتی برای ساکت کردن فعالین کارگری به آنان وارد میکنند علی رغم بی ارتباط بودن به فعالیت اجتماعی کارگرنی چون شریف ساعد پناه، امروزه جزئی از حقوق مدنی خدشه ناپذیر و پذیرفته شده شهروندان در سطح دنیا می باشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تبریک به شریف ساعد پناه و خانواده و دوستان و وی، خواهان آزادی تمامی کارگران در بند و از جمله ۵ تن از اعضای کمیته هماهنگی می باشد که نوروز امسال را بجای حضور در کنار خانواده های خود، در بازداشتگاه می گذرانند.



پس از گذشت ۱۷ روز از بازداشت شریف ساعد پناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران، امروز با وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد. شریف ساعد پناه این مدت تحت بازداشت اداره اطلاعات سنندج بود. روز هفدهم اسفند ۵ تن از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری که ظاهراً در ارتباط با تلاش برای برگزاری روز جهانی زن دستگیر شده و سه روز پس از آن شریف ساعد پناه نیز توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
۸ فروردین ۹۲

طی سالیان گذشته تا به امروز فعالین و رهبران کارگری

**Free jailed workers in Iran**

**FREE THEM NOW!**

اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار  
به انسان است.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!